

نقش آفرینهای امید

امیدهای راست! آرزوهایی است که آرزومند اسباب و مقدمات تحقق آنها فراهم ساخته، دانه را کاشته و اقدامات لازم برای به ثمر نشستن آنها انجام داده، و به ثمر دادن آن امید بسته است. ولی در امیدهای دروغ، آرزومند تنها آرزو دارد و پس، که امید و آرزو به این معنا نه تنها سازنده و نقش آفرین نیست بلکه ویرانگر و زیاتبار هم هست و همانطور که در کلام امام ملاحظه شد امیدهای دروغ انسان را گرفتار خوف و خطرهای قطعی و راست می نمایند. بنابراین بدیهی است آنچه در این مقال درباره نقش آفرینی های امید میگوئیم، امید و آرزوی صادق منظور است و لا غیر.

در قسمتهای گذشته درباره آگاهی، سیاست، حسن خلق، رفق و مدارا، فاطمیست، انتقاد پذیری و تعافلی، ویژگیهایی که از دیدگاه اسلام مدیر باید واجد آنها باشد مطالبی تقدیم گردید و توضیح دادیم که همه این خصال آثار شرح صدر اسلامی هستند و اینک ادامه بحث:

۸- نقش آفرینی های امید

هشتمین خصیصی که مدیر را در مدیریت توانمند می کند امید است، امیدوار بودن خود، و امیدوار ساختن دیگران به تحقق هدف.

مسأله امید در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی فوق العاده مورد توجه اسلام است، و برای آشنایی تفصیلی با نقش آفرینی های امید و نویندی از نظر اسلام باید واژه های: «أعمل»، «رجاء» و همچنین «یأس» و «فئوط» در قرآن و احادیث اسلامی، بطور کامل و همه جانبه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند ولی فعلاً ما در این صدد نیستیم و لذا تنها گفتار کوتاهی داریم درباره تعریف امید و آرزو، و نقش امید در زندگی بعنوان مقدمه و پس از آن نقش امید در مدیریت و رابطه امید و مدیریت را توضیح خواهیم داد:

امید و آرزو چیست؟

امید و آرزو در فارسی و نیز رجاء و امل در عربی بیک معنا است، راغب اصفهانی در کتاب مفردات القرآن در معنای رجاء میگوید: «رجاء عبارت است از گمانی که اقتضا دارد چیزی که موجب شادی است تحقق یابد»^۱. این تفسیر در مورد «امل» و نیز امید و آرزو نیز صادق است.

نکته قابل توجه اینست که در متون اسلامی امیدها و آرزوهای انسان به دو دسته تقسیم شده اند، دسته اول: امیدهای راست و دسته دوم امیدهای دروغ.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«ایاک والرجاء الکاذب فإنه یوقعک فی الخوف الصادق».

از امید دروغ جداً پرهیز کن که آن تو را در ترس راست، واقع خواهد ساخت.^۲

نقش امید در زندگی

امید و آرزو موتور و محرک چرخهای زندگی انسان در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

آرزو یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است که اگر این نعمت از انسان گرفته شود، محنت و جوش و تلاش از او سلب می گردد و رخوت و سستی او را احاطه می کند و بالاخره چرخ زندگی متوقف می گردد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«الامل رحمة لامنی ولولا الامل ما رخصت والدة ولدها، ولا غرس

غارس شجراً»^۳.

آرزو برای امت من رحمت است، اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را

شیر نمی داد، و هیچ کس درختی نمی کاشت.

همانطور که از ذیل حدیث استفاده می شود، مقصود پیامبر از اینکه می فرماید «آرزو برای امت من رحمت است» نفی نقش آرزو در زندگی دیگران نیست، شاید منظور این باشد که دیگران نمی توانند از این رحمت الهی آنگونه که باید برای زندگی جاوید خود بهره برداری کنند.

بهر حال پیامبر اسلام در این کلام خیلی صریح و روشن نقش امید و آرزو را در زندگی انسان بیان کرده است و مطرح کردن اینکه اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و یا کسی درخت نمی کاشت، بعنوان دو نمونه روشن از نقش آرزو در زندگی است، و مقصود اثبات این واقعیت است که اگر امید و آرزو جای خود را به یأس و نویندی دهد اصولاً ادامه زندگی ممکن نیست.

امام علی علیه السلام درباره نقش آرزو در زندگی می فرماید:
«الأمل ربيع مؤنس»^۱

آرزو همنشینی است که موجب انس و آرامش انسان است.

سازد، و هر چه عنصر امید بهتر و قوی تر در مدیریت بکار گرفته شود درصد احتمال تحقق هدف بالاتر می رود.

عنصر امید در مدیریت خدا

در رأس همه مدیریتهای، مدیریت خداوند متعال است، اگر کتاب خدا قرآن کریم را یکبار از ابتدا تا انتها از بُعد برخورد مدیریتی خدا با انسان مورد مطالعه و دقت قرار دهید، خواهید دید که آفریدگار جهان به بهترین وجه از عنصر امید در مدیریت خود برای تکامل انسان استفاده نموده است، در مسایل اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، در مسایل فردی و اجتماعی و در امور دنیوی و اخروی همه جا سخن از امید است و این باب واسعی است که در این مقال نمی توان آنرا باز کرد، تنها به ذکر دو نمونه از مواردیکه خداوند از عنصر امید برای سازندگی فرد و جامعه استفاده مدیریتی نموده است اکتفا می کنیم:

۱- امید به تکامل

برای اینکه انسان جهت سازندگی خود و رسیدن به قله تکامل از تمام توان خویش نهایت بهره برداری را بنماید، خداوند متعال یأس و نومیدی را مطلقاً ممنوع نموده و بهیچکس اجازه نمی دهد که در هیچ شرایطی از عنایات او جهت وصول به کمالاتی که فلسفه آفرینش انسان است مأیوس گردد، و تصریح می کند که جز افراد کافر و گمراه از رحمت و عنایت خداوند مأیوس نمی گردند. و اعلام می نماید که هر کس در هر شرایطی می تواند توبه کند، راه انحطاط را رها نماید و بسوی طریق کمال باز گردد:

«قل يا عبادة الدين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
إن الله بغفر الذنوب جيباً»^۲

بگو ای بندگام که بر خود ستم و اسراف کردید از رحمت خدا مأیوس نشوید که خدا تمامی گناهان را می آمرزد.

۲- امید به آینده

برای اینکه ناکامی پیروان واقعی انبیاء در تحقق حکومت الهی در جهان، آنانرا مست نکند، برای اینکه مصلحین جامعه مرعوب قدرتهای استکباری نشوند، و برای اینکه شکستهای هواداران راستین حق و عدالت آنها را مأیوس نسازد، خداوند متعال توسط پیامبران بزرگ خود در همه اعصار چراغ امید به آینده را در کانون جان پیروان پیامبران روشن نموده که بالآخره حکومت زمین از آن صالحین است:

«ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي
الصالحون»^۳

در زبور از پی آن کتاب نوشتیم که حکومت زمین را بندگان شایسته من میراث می برند.

تا از همه توان خود برای مبارزه با ظلم و ستم و تکامل جامعه استفاده کنند که تکامل جامعه با اراده و تلاش و جهاد انسانهای شایسته بر اساس وعده قطعی خداوند تحقق خواهد یافت.

آزمایشی جالب درباره نقش آرزو

طرح مسأله تجربه و آزمایش و آزمایشگاه آنهم درباره نقش چیزی مانند آرزو حتماً جالب توجه است، راستی چقدر خوب بود اگر خواص و آثار امور معنوی قابل آزمایش بودند، و حتماً تعجب می کنید اگر بشوید این امور نیز قابل آزمایش هستند، البته نه با ابزار مادی و نه برای هر کس، در این زمینه سخن بسیار است و برای اینکه از مطلب خیلی دور نشویم فقط به ذکر یک نمونه از آزمایش حضرت عیسی علیه السلام در رابطه با نقش آرزو در زندگی انسان اکتفا می کنیم:

روزی حضرت عیسی علیه السلام در نقطه ای نشسته بود و منتظره شخم زدن زمین بوسیله پیرمردی که با بیل سخت مشغول زیرور و کندن خاک بود را تماشا می کرد، گویا حضرت با دیدن این منظره متوجه نقش آرزو در زندگی بشر شد که پیرمردی در آستانه مرگ را اینچنین به تلاشی که معلوم نیست ثمرش را ببیند و داشته است، برای اینکه این نظریه را آزمایش کند از خداوند خواست که آرزو را از او بگیرد.

بلافاصله پس از این دعا ملاحظه کرد که پیرمرد بیل را بر زمین نهاد و دراز کشید!

مدتی گذشت پیرمرد هنوز مشغول استراحت بود، دوباره عیسی دعا کرد که خدایا آرزو را به او بازگردان.

باز بلافاصله پس از این دعا ملاحظه نمود که پیرمرد از جای برخاست و مشغول کار شد.

حضرت عیسی علیه السلام برای اینکه پاسخ این آزمایش جالب را از زبان خود پیرمرد بشنود جلو آمد و از او پرسید دلیل اینکه ساعتی قبل بیل را بر زمین نهادی و دراز کشیدی و پس از گذشت زمانی اکنون باز مشغول کار شدی چیست؟

پیرمرد گفت در حالی که مشغول کار بودم این فکر بر این پدید آمد که بخود گفتم: تا کی کار می کنی در حالیکه پیرمردی هستی در آستانه مرگ، این بود که یأس بر من مستولی شد و لذا بیل را انداختم و دراز کشیدم.

پس از مدتی فکر دیگری در ذهنم خطور کرد دیدم بخود میگویم بخدا تا هستی برای تأمین زندگی چاره ای جز کار کردن نداری، این بود که دوباره سراغ بیلم رفتم و مشغول کار شدم.^۴

نقش امید در مدیریت

اگر آنچه درباره نقش امید در زندگی بیان شد در کنار مشکلات و سختیهای که تحقق اهداف اجتماعی خصوصاً هدفهای بزرگ بهمراه دارد و ناکامی های احتمالی که در کمین تحقق هدفها نشسته اند، ملاحظه شود، به این نتیجه می رسیم که امید و آرزو بالاترین نقش را در مدیریت جامعه بازی می کند، و تنها کسی قادر به ایفای نقش مدیر است که هم خود به تحقق هدف امیدوار باشد و هم بتواند افراد تحت مدیریت خود را در نیل به مقصود امیدوار



عنصر امید در مدیریت رهبران الهی

رهبران الهی در استفاده از عنصر امید برای هر چه بهتر ساختن فرد و جامعه، روش مدیریتی خداوند متعال را تعقیب می نمایند، در تاریخ زندگی انبیاء و اولیاء هیچ جایس و نوعی و بریدگی بحشم نمی خورد بلکه همه جا سخن از امید و مقاومت برای آینده ای خوب و زیبا است:

«وَكأین من نسی قاتل معه ریبون كثير فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله وما ضعفوا وما استكانوا والله یحب الصابین»^۸

و چه بسا پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگ کردند، آنها هیچگاه در برابر آنچه در راه خدا به آنها می رسید مست نشدند و ناتوان نگردیدند و تن به تسلیم ندادند و خداوند پایداران را دوست دارد.

برجسته ترین سخن و دقیق ترین نکته در تعلیمات مدیریتی رهبران الهی در رابطه با استفاده از عنصر امید را در سه جمله می توان خلاصه کرد: کار نشد ندارد، در نهایت سختی نباید مأیوس بود و بالاتر اینکه در ناامیدی ها باید امیدوارتر بود!

کار، نشد ندارد!

در تعلیمات رهبران الهی کار، نشد ندارد، یعنی انسان قادر است هر کار ممکن را انجام دهد البته اگر همه توان خود را برای تحقق آن بکار گیرد. به عبارت دیگر از نظر رهبران الهی، انسان برای تحقق خواسته های خود به منبمی از نیرو اتصال دارد که توانایی آن بی نهایت است، و رمز موفقیت او، بکارگیری همه توان در استفاده از این سرچشمه عظیم نیرو است. متن سخن رهبر رهبران و امیر مؤمنان در این رابطه اینست:

«من بلغ جهد طاقته بلغ که ارادته»^۹

کسی که همه تلاش را بکار گیرد، به حقیقت خواسته اش قطعاً خواهد رسید.

«من استدام قرع الباب وُلِّغ، وُلِّغ»^{۱۰}

کسی که پیوسته دری را بکوبد و برای تحقق خواسته خود اصرار ورزد و بالاخره آن دری را گشوده می شود، و شاهد مقصود را در آغوش می کشد

این روایت به صورتی دیگر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است:

«من یدمن قرع الباب یبلغ»^{۱۱}

کسی که ادامه دهد کوبیدن دری را، آن در گشوده و او وارد خواهد شد.

گفت پیغمبر که گر کوبی دری

عاقبت زان در برون آید سری

امید، در ناامیدی!!

هنگامی که انسان با همه توان کار را آغاز کرد، و هدف را با تلاش تمام تعقیب نمود، بطور طبیعی با مشکلات برخورد می کند، هر چه هدف بزرگتر باشد مشکلات آن بیشتر است، توصیه رهبران الهی اینست که مشکلات هر چه بزرگ باشند نباید انسان را از رسیدن به مقصود مأیوس و از تعقیب هدف منحرف نماید. رهبران الهی به انسان اجازه نمی دهند تحت هیچ شرایطی ناامید شود حتی

آنجا که در نقطه اوج سختیها است.

امام علی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

«عند تناهی الشدة تكون الفرجه وعند تضایق محلق البلاء يكون الرخاء»^{۱۲}

هنگامی که شدت و سختیها در اوج نهایی است، فرج و گشایش حاصل می شود، و هنگامی که حلقه های بلا تنگ می شود آسایش و رخاء، انتظار میرود.

و در سخنی دیگر فرمود:

«أضیق ما یكون الخرج، أقرب ما یكون الفرج»^{۱۳}

تنگ ترین تنگناها، نزدیکترین آنها به فرج و آسودگی است.

این روایات و مشابه آنها که بسیار است نشان می دهند که در جهان بینی الهی حتی در شرایط نومیدی، انسان می تواند امیدوار باشد که:

در نومیدی بسی امید است

پسایان شب سیه سفید است

تجربه هم تأیید می کند که واقعیت همینطور است.

در ناامیدی امیدوارتر!!!

شاید مهم ترین نکته در باب امید و بزرگترین درس در جهان بینی الهی در این باب اینست که انبیاء الهی می خواهند انسان را طوری تربیت کنند که در ناامیدی ها امیدوارتر باشد! و بر این مبنای ناامیدی را بر او بکلی مسدود نمایند تا انسان از تمام توان خود برای رسیدن به مقصود استفاده نماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«كن لما لا ترجو أرحم منك لما ترجو»^{۱۴}

برای تحقق آنچه امیدوار نیستی امیدوارتر باش از آنچه برای تحقق آن امیدواری.

این حدیث از امام علی و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نیز نقل شده و در ادامه آن نمونه هایی از تحقق آنچه انسان امید به تحقق ندارد ذکر شده است مانند ایمان جادوگران فرعون، و مسلمان شدن ملکه سبا، و سخن گفتن خداوند متعال با موسی در حالیکه به امید تهیه آتش به کوه طور می رفت.^{۱۵}

و اما اینکه چگونه انسان می تواند در ناامیدی امیدوار بلکه امیدوارتر باشد؟ پاسخ اینست که در مواردیکه انسان امید به تحقق مقصود دارد چشم امید او به علل طبیعی است ولی در مواردیکه امید به تحقق مقصود ندارد از علل طبیعی ناامید شده و اگر امید باشد، امید به خدا است و امید به خدا در تحقق مقصود بیشتر می تواند کارساز باشد.

- ۱- الرجاء ظن یقتضی حصول ما فیهِ مسرور. ۸- سوره آل عمران- آیه ۱۴۶.
- ۲- میزان الحکمه حدیث ۶۶۴۷.
- ۳- میزان الحکمه حدیث ۶۷۳. جلد اول، ۱۲- بحارالانوار جلد ۷۱ ص ۹۶.
- ۴- میزان الحکمه حدیث ۶۷۴.
- ۵- بحارالانوار جلد ۱۴ ص ۳۲۹.
- ۶- سوره زمر- آیه ۵۳.
- ۷- سوره انبیاء- آیه ۱۰۵.
- ۸- میزان الحکمه جلد ۲ حدیث ۲۷۸۷ و ۲۷۸۸.
- ۹- میزان الحکمه جلد ۲ حدیث ۲۷۸۶.
- ۱۰- میزان الحکمه جلد ۷ حدیث ۱۵۱۱۰- نگاه کنید به همین جلد باب ۳۱۷۷ «الفرج بعد الشدة».
- ۱۱- کنز العمال - حدیث ۵۹۰۴.
- ۱۲- نگاه کنید به میزان الحکمه جلد ۴ باب ۱۴۴۹.